

لیزا گلمبک

مسجد جامع هرات^۱

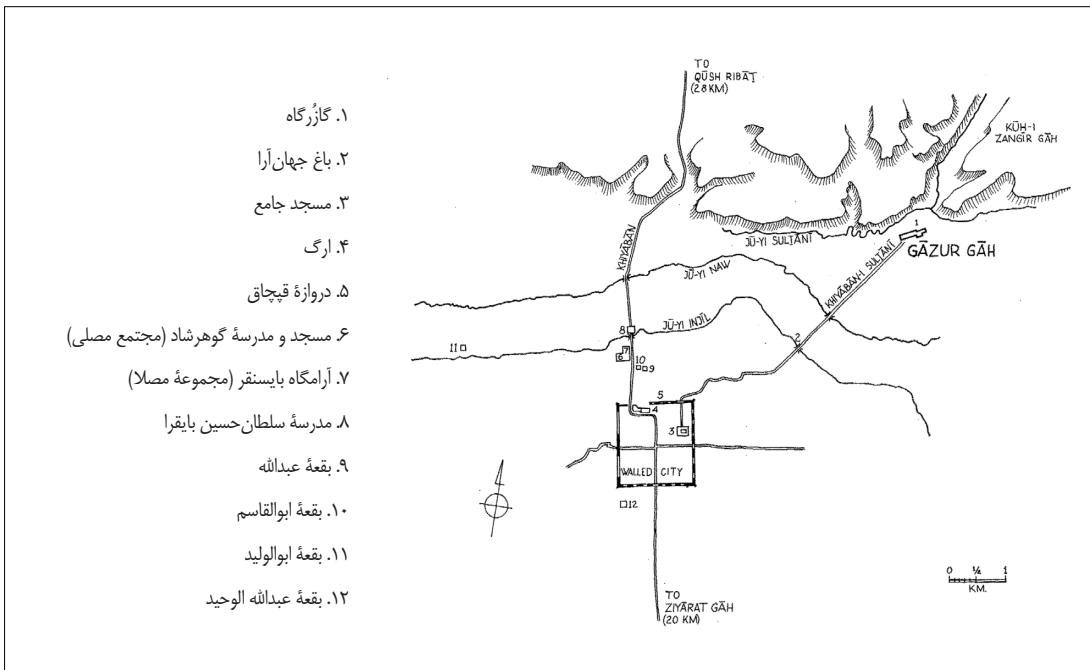
ترجمه اردشیر اشراقی

در خلال سده نهم / پانزدهم، مراکز شهری قلمرو تیموریان و ترکمانان رشدی خیره‌کننده یافت و پیرامون هسته‌های قدیمی شهر را حومه‌های تازه گرفت. در زمینهایی که پیش‌تر بیابان بود، برای آبرسانی به باغهای گسترده امکانات آبیاری گسترش یافت. با افزایش جمعیت و فشار ناشی از آن در هسته‌های قدیمی شهرها، حومه‌ها با تشکیلات خاص خود به سرعت جزئی از شهرها شدند. با این همه، به‌رغم گسترش نامنظم این کلان‌شهرهای وسعت‌یافته، هسته قدیمی شهر همچنان اهمیت خود را حفظ کرد.

امکان بقای مراکز بازرگانی قدیمی تا حدودی به استقرار در درون مسجد جامع اولیه شهر بستگی داشت. مردم هر شهر برای مسجد قدیمی آن، صرف‌نظر از اینکه چه تعداد مسجد تازه و نو در حومه شهر ساخته می‌شد، به لحاظ قدمت و غالباً زیبایی‌اش احترام خاصی قائل بودند. پژوهشهای باستان‌شناسی مساجد جامع اصفهان، یزد، شیراز، کرمان، و شهرهای دیگر جملگی نشان می‌دهد که با وجود تغییرات سیاسی و نوسانات اقتصادی، و حتی دگرگونیهای قومی جمعیت شهری، حیات مسجد جامع اولیه شهرها ادامه یافته است. در حقیقت، تاریخ مسجد جامع هر شهر غالباً عالم صغیر تاریخ آن شهر به‌شمار می‌رود که در دوره‌های ویرانی و آبادانی خود سرگذشت شهر را به تفصیل باز می‌گوید.

تاریخ مسجد جامع هرات این موضوع را به‌خوبی نشان می‌دهد. این بنا در بخش شمال شرقی شهر و در درون باروی اصلی آن قرار دارد. این مسجد در مرکز کالبدی شهر واقع نبود؛ اما از راسته‌های شمالی و شرقی بازارهایی که در مرکز شهر یکدیگر را قطع می‌کردند به‌آسانی می‌شد به آن رسید (ت ۱). تازه‌ترین شواهد درباره اهمیت مسجد کهن از عملیات نوسازی‌ای که به دست آمده که در سال ۱۹۴۴ آغاز شد. متأسفانه با این کار بیشترین ویژگیهای اصلی مسجد از میان رفت. کار مرمتگران معاصر با رنجهای بی‌شماری که خیران پیشین در طول نهمصد سال گذشته متحمل شدند تا به‌رغم مشکلاتی که غالباً بر سر راه بود ویژگی اصلی این بنا — و حتی اجزای واقعی ساختمان اولیه — را حفظ کنند، تفاوت بسیار دارد.

مسجد جامع هرات، که در نیمه دوم سده پنجم هجری به دست شمس‌الدین مسعود هروی بنا شد، مانند بسیاری از مساجد جامع اولیه شهرها، بازگوکننده فراز و نشیبهای تاریخی هرات است. این مسجد در طول حیات خود بارها ویران و از نو ساخته شد. پس از آتش‌سوزی مسجد در اواخر قرن ششم، سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام مسجدی تازه بنیاد نهاد و مسجد سوخته را نیز بدان افزود. یک بار نیز معزالدین حسین، حاکم هرات در قرن هشتم، مسجد را پس از ویرانی در زلزله بازسازی کرد. جلال‌الدین فیروزشاه هم در اواخر سلطنت شاهرخ تیموری مسجد را مرمت کرد. از پس چند سیل و زلزله دیگر، سرانجام علی‌شیر نوابی به تعمیر اساسی مسجد همت گماشت و در این راه حوصله و مال بسیار صرف کرد. اطلاعاتی که خواندمیر از مسیر بازسازی مسجد در عهد امیرعلی‌شیر به دست می‌دهد درخور اعتناست. در مطالعه تاریخ مسجد جامع هرات دو مسئله مطرح است: یکی اینکه به‌رغم نگرش همیشگی حامیان که ساخت بنای جدید را بر بازسازی بناهای گذشته ترجیح می‌دادند، مرمت این مسجد همواره مورد توجه بوده است. دیگر اینکه با وجود مرمت‌های بسیار، ویژگیهای اصلی و اولیه مسجد تغییر چندانی نکرد. گویا تقدس ساختمانهای اولیه مانع از تخریب و بازسازی کامل آنها می‌شد. این گونه حفاظت از بنای اولیه مختص مسجد جامع هرات نبود.



۱. گازرگاه
۲. باغ جهان آرا
۳. مسجد جامع
۴. ارگ
۵. دروازه قیچاق
۶. مسجد و مدرسه گوهرشاد (مجمع مصلی)
۷. آرامگاه بایستقر (مجموعه مصلا)
۸. مدرسه سلطان حسین بایقرا
۹. بقعه عبدالله
۱۰. بقعه ابوالقاسم
۱۱. بقعه ابوالولید
۱۲. بقعه عبدالله الوحید

ت. ۱. هرات در سده نهم / یازدهم

محورهای حیاطی بزرگ قرار داشت. غیاث‌الدین محمد بیرون مسجد و در جهت شمال، مقبره‌ای گنبددار ساخت که پس از مرگش در جمادی‌الاول سال ۵۹۹ق / فوریه ۱۲۰۳م، در همان‌جا دفن شد.^۵ کتیبه‌های این مقبره را پیش از ویرانی اسف‌انگیز آن در دهه ۱۹۴۰ از روی عکسهای گرفته‌شده مطالعه کرده‌اند. ساختمان مسجد در زمان درگذشت سازنده آن کاملاً به پایان نرسیده بود و دو سال بعد به دست فرزندش، سلطان‌غیاث‌الدین محمود، تکمیل شد.

همین مسجد است که امروز بیش از هفتصدسال عمر دارد و همچنان مرکز روحانی شهر هرات است. با اینکه در زمانهای مختلف، اجزای داخلی نظیر جرزها و قوسها و طاقها را عوض کرده‌اند، ابعاد و شکل کلی مسجد باقی مانده است. سردر قدیمی عهد غوریان در جانب جنوب شرقی، که تا سال ۱۹۶۴ با آمود دوره تیموری پوشانده شده بود، دارای کتیبه‌هایی است که نام سلطان غوری و تاریخ رمضان ۵۹۷ق / ژوئن - جولای ۱۲۰۱م را بر آنها نوشته‌اند.^۶ از این سردر برمی‌آید که حد شرقی مسجد در دوره غوریان دست‌کم تا این نقطه امتداد داشته است. کتیبه‌های گچی ایوان شبستان نزدیک محراب که از دوره غوریان باقی است، با وجود تعمیرات زیاد دو قرن بعد، همواره مقابل دید قرار داشته است. بر

مسجد هرات را شمس‌الدین مسعود هروی، وزیر سلطان تکش، در نیمه دوم سده پنجم / یازدهم بنا کرد.^۲ مسجد سقفی چوبی داشت که فضایی بسیار کوچک‌تر از فضای مسجد بعدی را فرامی‌گرفت. در زلزله جمادی‌الاول سال ۴۹۵ق / فوریه - مارس ۱۱۰۲م، ساختمان مسجد تقریباً به‌کلی ویران شد.^۳ مردمان از اینکه این حادثه شب‌هنگام روی داد و کسی در مسجد نبود، بسیار شاکر بودند و روز بعد بی‌درنگ تعمیر آن را شروع و شب و روز کار کردند.

مسجد تازه‌ساخت یک قرن بعد و در روزگار سلاطین غوری طعمه آتش شد. در سال ۵۹۷ق / ۱۲۰۰-۱۲۰۱م سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام ساختن مسجدی تازه را آغاز کرد و مسجد سوخته را نیز با امکاناتی دیگر بدان افزود. سلطان‌غیاث‌الدین نه‌تنها مسجد را در محل اولیه خود از نو بنا کرد، بلکه جهت محراب قبله اصلی آن را که در ضلع غربی واقع بود و از سنت حنفی حکایت می‌کرد، مراعات کرد. آثار مکتوب به‌جامانده بر این نکته تأکید می‌کند که غیاث‌الدین شافعی‌مذهب بود و این مسجد را هم برای شافعیان ساخت که محراب قبله را در پهلو جنوبی مطلوب می‌دانستند.^۴ ساختمان مسجد تازه به تمامی از آجر بود. شبستان را گنبد آجری بزرگی می‌پوشاند که در پشت ایوانی قرار داشت. سه ایوان بر

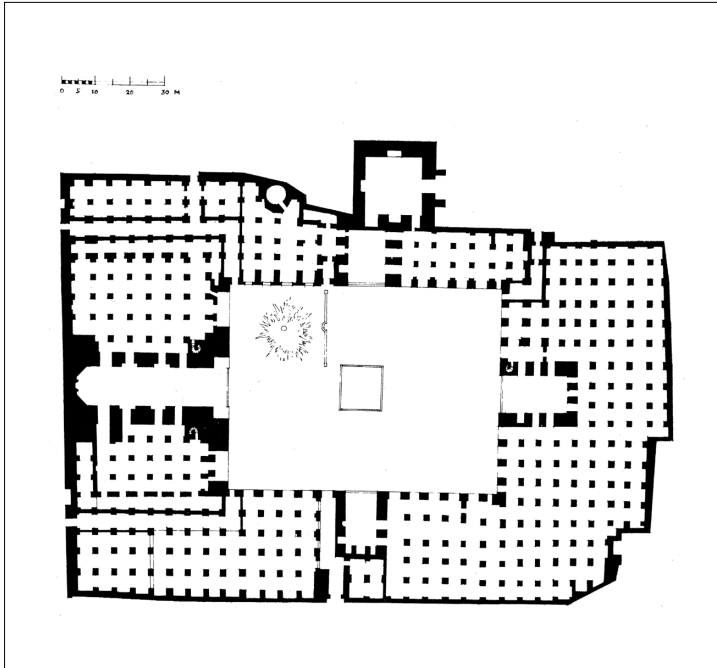
اینها نیز نام سلطان غوری نقش بسته است و حدّ غربی مسجد را نشان می‌دهد.^۷

معلوم نیست که طرح شبستانی با ستونهای چهارگوش بقیه قسمتهای مسجد تا چه اندازه متعلق به دوره غوریان یا دوره‌ای متأخر است. این مسجد رو به ویرانی گذاشت، و در سال ۷۲۰ق/ ۱۳۲۰-۱۳۲۱م ایوانهای جنوبی و شرقی را از نو ساختند. می‌گویند از ستونها و قبه‌های شبستانها، که جملگی می‌بایست «استوارتر و نیکوتر از پیش» مرمت می‌شد، هیچ مانده است. مقبره را نیز مرمت کردند و تمام مسجد را از نو آراستند. غیاث‌الدین محمد در این ایام مدرسه غیاثیه را در امتداد پهلوی شمالی مسجد برپا کرد.^۸

بار دیگر سرنوشت با این مسجد سرفراز سر ناسازگاری گذاشت. در سال ۷۶۵ق/ ۱۳۶۴م زلزله‌ای ویرانگر بیشتر بناهای هرات را خراب کرد. طاق مقصوده مسجد «که در هیچ شهری هم‌تا نداشت» فرو ریخت و فقط جرزهایش باقی ماند. حاکم هرات، معزالدین حسین، آن را تعمیر کرد و «خانقاه نو» را هم بدان افزود. به سال ۷۷۱ق/ ۱۳۶۹-۱۳۷۰م خود او را در مقبره دفن کردند.^۹ در سال ۷۷۵ق/ ۱۳۷۳-۱۳۷۴م آخرین امیر آل کرت تشت «شربت» مفرغینی را وقف مسجد کرد که هنوز در حیاط آن برجاست.^{۱۰}

زرف ده سال، سپاهیان تیمور به دروازه‌های هرات رسیدند. شهر سقوط کرد و دودمان کرت از هم پاشید. در سال ۸۰۰ق/ ۱۳۹۷م فرزند تیمور، شاهرخ، بر مسند حکمرانی هرات نشست و آنجا را تختگاه خود کرد. بازسازی شهر در سال ۸۱۳ق/ ۱۴۱۰م آغاز شد. شاهرخ توجه خود را به کانون قدیمی شهر معطوف کرد و بازارهای آن را از آجر ساخت. ساختن مسجد جامع تازه‌ای در خارج از کانون شهر و در منطقه مصلّا در سال ۸۲۰ق/ ۱۴۱۷م به دست همسر شاهرخ، گوهرشاد، نشان از گسترش وسیع حومه‌های شهر به جانب شمال غربی و بعدها به جانب شمال و شمال شرق داشت.^{۱۱}

با این همه، مسجد قدیمی جاذبه خود را از دست نداد. در دهه ۸۴۰ق/ ۱۴۴۰م، بار دیگر آن را مرمت کردند؛ اما این مرتبه کار نه به دست سلطان، که به وسیله یکی از برجسته‌ترین امیران او، جلال‌الدین فیروزشاه (ف) ۸۴۸ق/ ۱۴۴۴-۱۴۴۵م صورت گرفت.^{۱۲} این مرمتها

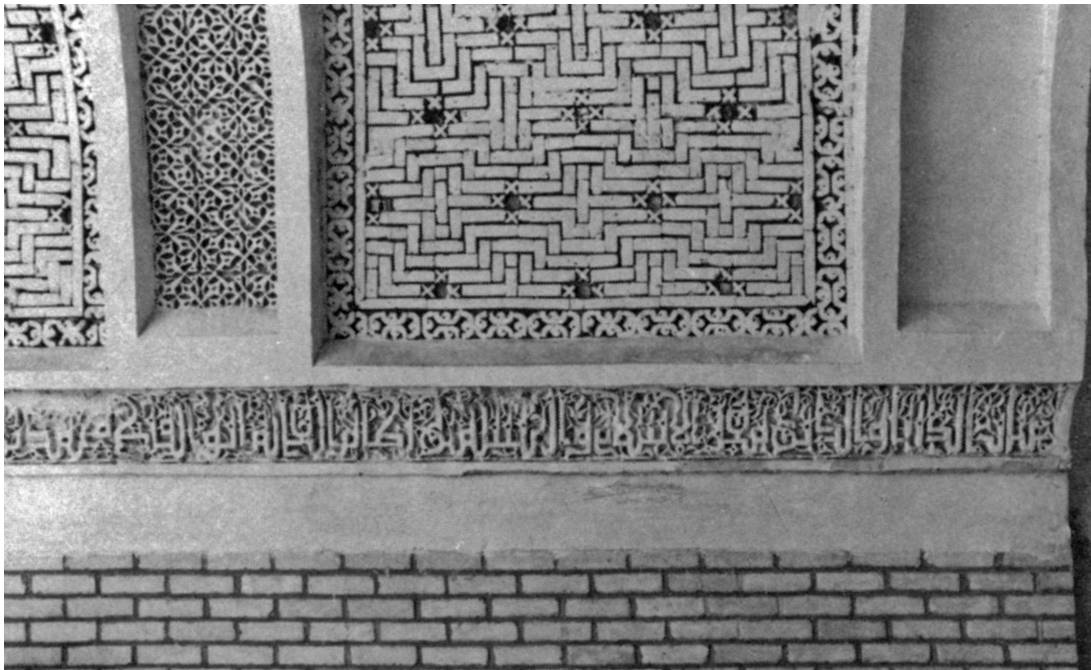


ت. ۲. مسجد جامع هرات، پلان، قبل از مرمت.

بایست سطحی بوده باشد، چه ساختمان مسجد در برابر وقایعی که در پی آمد دوام نیاورد.

فاصله میان مرگ شاهرخ به سال ۸۵۱ق/ ۱۴۴۷م تا روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا، میراث‌خوار حکومت رو به افول تیموری در سال ۸۷۴ق/ ۱۴۷۰م، از دوره‌های بی‌ثباتی بزرگ سیاسی و رو به ضعف رفتن اوضاع اقتصاد بود. مصائب طبیعی سختی همچون زلزله و سیل که با غفلت و فرسایش طبیعی آمیخته شد بایست اوضاع حکومت را به وضعی اسفبار کشانده باشد. آن‌گونه که خواندمیر اوضاع این مسجد را پیش از مرمت بعدی آن توصیف می‌کند:

و در ایام دولت و اوان سلطنت سلطان صاحب‌قران و خاقان گیتی‌ستان معزالسلطنه و الخلافة سلطان حسین بهادر خان [...] طاق معموره‌اش شکستی تمام یافته و اطراف قبه معموره‌اش به سرحد خرابی شتافته جدار بلندمقدارش مانند راکعان، پشت خم کرده و پیل پایه‌های عالی‌آنارش مثال ساجدان، روی نیاز به زمین آورده سفیدی گچ از سقف مرفوعش مرتفع شد و خاک سیاه نمناک بر زیر فرش میمونش مجتمع گشت. چون این معانی بر ضمیر انور عالی‌جناب مقرب الحضرة السلطانی پرتو انداخت همگی همت عالی نهمت بر تجدید بنای



ت ۳. مسجد جامع
هرات، کتیبه
دوره غوریان در ایوان
شبستان

یا مسجد جامع هرات را، که باید استثنایی بوده باشد، ندارد.

برخلاف تمایل علی شیر به اجتناب از صرف هزینه در تزیین مسجد، گزارش خواندمیر از موقوفه‌های او برای حفظ ویژگیهای بدیع آن خبر می‌دهد. مثلاً خواندمیر درباره شبستان گنبددار مسجد دوره غوریان که در آستانه ریزش قرار داشت، می‌نویسد:

... در رمضان سنه ثلث و تسع مائه {آوریل - مه ۱۴۹۸} نخست به باز کردن پشت طاق مقصوره که مکسور گشته بود امر نمود. بعد از آن به استصواب معماران صادق و مهندسان مدقق به راست ساختن آن بنا بر وجهی که از آن محکمر نتواند بود اشارت نمود و در دو جانب صفة مقصوره دو ایوان عالی‌شان بنا نهاد و به آن جهت طاق بزرگ را استحکام تمام و متانت لاکلام داد.^{۱۴}

تا پیش از اعلام نظر گروه مهندسان و معماران، علی شیر تصمیم به برداشتن گنبد اصلی شبستان نگرفت. همچنان که در نقشه سال ۱۹۴۴ استاکرت^(۱) نشان داده شده (ت ۲)، این تصمیم از آن رو بود که شبستان را همچون ایوانی امتداد یافته از نو بسازند.^{۱۷} در این نقشه، جزوهای ایوان شبستان در یک خط قرار ندارند و چه بسا این موضوع دال بر مقداری باشد که جزوها به لحاظ از شکل افتادن گنبد پیش از خرابی آن، جابه‌جا شده‌اند.

این مسجد شریف و تشیید اساس این معبد منیف مقصور ساخت [...]»^{۱۳}

امیر علی شیر، از برجستگان فرهیخته و دانا، بیش از ۲۵ سال (۸۷۷-۹۰۶ ق / ۱۴۷۲-۱۵۰۱ م) در مقام نزدیک‌ترین مشاور سلطان حسین خدمت کرد.^{۱۴} علی شیر کانون حلقه‌های ادبی به‌شمار می‌رفت و خود نویسندگی می‌کرد و به سبب ترویج ترکی جغتایی شهره بود. مهم‌ترین بنای این حامی هنرهای کتاب‌آرایی و معماری خلاصیه کلبه در حومه هرات بود: مجتمع مذهبی و اجتماعی بزرگی مشتمل بر مسجد، مدرسه، خانقاه، کتابخانه، و بیمارستان. نویسنده مکارم/لاخلاق بیش از ۱۳۵ بنای تاریخی را نام می‌برد که به فرمان او ساخته یا مرمت شد،^{۱۵} که ممکن است اغلب آنها در جریان کارهای مربوط به نوسازی شهر صورت گرفته باشد. علی شیر سرمایه خود را بیشتر در راه مرمت ساختمانهای قدیمی صرف کرد تا ساخت بناهای تازه. بسیاری از بناهای تازه‌ای که او هزینه آنها را تقبل کرد، به جز کلیه در هرات، در شهرهای کوچک‌تر یا در مسیر شاهراهها ساخته شد. از جمله این بناها اقامتگاههای متعددی برای مسافران، و نیز سد و آب‌انبار بود. از بناهایی که باقی مانده است هیچ‌یک کاشی‌کاری پرهزینه و فراوان به‌کاررفته در ساختمان کلیه

(1) Stuckert

با وجود این تغییر عمده شبستان، علی شیر کتیبه‌های گچی زیر طاقها را که به دوره غوریان مربوط می‌شد در نزدیک‌ترین نقطه به دیوار قبله حفظ کرد. این کتیبه‌ها هیچ‌گاه پوشیده نمانده است (ت ۳).

علی شیر عافیت‌طلب و بیرون از معرکه نبود. او به طرح‌های ساختمانی خود علاقه‌ای شخصی داشت و مرمت این مسجد قدیمی را بسیار مهم می‌دانست. به گفته خواندمیر، او غالباً همچون کارگری معمولی در کارها شرکت می‌کرد و با برگزاری مهمانیها موجب تقویت روحیه کارکنان می‌شد:

و آن بانی مبانی خیرات به واسطه کثرت اهتمام در اتمام این عمارات هر روز به نفس نفیس به آن مقام شریف تشریف می‌فرمود و بسیاری از روزها دامن در میان زده مانند سایر مزدوران، خشت به دست استاد می‌داد و کار می‌کرد. و در هر چند روز، معماران و استادان و سایر پیشه‌وران آنجایی را جامه‌های گران‌مایه می‌پوشانید و به نوازش موفور و انعامات غیرمحمصور خوش‌دل و مسرور می‌گردانید. لاجرم به توفیق الهی و تأیید نامتناهی پادشاهی، کار سه‌چهارساله در مدت شش ماه تمام گشت و رفعت ایوان مقصوره به مقتضای امر امیر بجر مکرمت از آنچه پیش‌تر بود شش هفت ذرع درگذشت. چون اصل کار تمام گردید و قواعد آن بنای هرمان مستحکم شد، فضلا و شعرا در تاریخ تجدید آن بنا ابیات فصاحت‌آیات در سلک نظم کشیدند و کتابه‌نویسان بعضی از آنها را در کتابه آن بقعه عالیه مسطور گردانیدند. عالی حضرت مقرب الحضرة السلطانی لفظ «مرمت کرد= ۹۰۴» را جهت ضبط تاریخ آن سال یافته بودند و به حسب توارد، جناب مولوی مخدومی فضیلت شعاری مولانا معین الملة والدین اسفزاری را نیز همین لفظ به خاطر آمد و بدین گونه نظم نموده‌اند:

نظام دولت و دین میر پادشاه‌نشان

که دولت دو جهانش حق کرامت کرد

تو اتفاق حسن بین و اقتضای قضا

که چون موافق تاریخ شد «مرمت کرد»

و راقم حروف را نیز این قطعه به خاطر فاتر رسیده بود که:

گشت محکم اساس این مسجد

ز اهتمام امیر بنده‌نواز

بهر تاریخ گفت مرشد عقل

«شد مشید اساس جامع باز»

۹۰۴=

القصه بعد از آن که ضمیر انوار والاگهر از جانب متانت و استحکام آن معبد عالی‌مقام فارغ گشت، خیابان زیب و آرایش و اندیشه تکلف و نمایش بر خاطرش گذشت و به موجب اشارت علیه، مهندسان خجسته‌آثار و کاشی‌تراشان شیرین‌کار و هنرمندان نقاش و استادان سنگ‌تراش به جد هر چه تمام‌تر روی به زیبا و تزئین آن مسجد فیض‌آیین آوردند و به مدت یک سال، کاری که به حسب تخمین و قیاس می‌بایست که در قرب پنج سال اختتام یابد، در غایت پاکي و آراستگی تمام کردند. وجوه طاقها و رواقهایش به نقوش اسلیمی و ختایی مزین و محلاً شد و صفحات صفا‌های پرفیاض به وفور تکلفات غریب و کثرت اختراعات عجیب از سایر بقاع ممتاز و مستننا گشت. سقف گنبد‌های بلندش مانند صحیفه اعمال نیکوکاران، صفت سفیدی و روشنی پذیرفت و ازاره‌های ایوانهای ارجمندش از سنگهای سوران رصانت و متانت لاکلام گرفت.

پراز نقش و نگار از فرش تا سقف

مهندس را بر او فکر و نظر وقف

ز عالی غرفه‌هایش چشم بد دور

مقوس طاقها چون ابروی حور^{۱۸}

منبری با نه پله از مرمر سخت را که کار استاد شمس‌الدین بود از خوف بدین جا آوردند. این مسجد شش در داشت. کار ساخت آن در ۱۴ شعبان ۹۰۵ ق/ ۱۵۰۰ م پایان پذیرفت.^{۱۹} علی شیر کارگران را چنان می‌نواخت که کاری که معمولاً برای انجام دادنش وقت خیلی زیادتری لازم بود با سرعتی شگفت‌انگیز به انجام رسید.

گزارش خواندمیر درباره علی شیر علاوه بر توصیف شخصیت او، اطلاعات مهمی نیز در زمینه روند ساخت بنا و حرفه‌های به کاررفته در حوزه مسجدسازی به دست می‌دهد. به ندرت به متونی برمی‌خوریم که در آنها آمده باشد کار تکمیل یک طرح چقدر طول کشیده است. اما در اینجا است که می‌خوانیم مرمت پرخرج بنایی بزرگ ممکن بود از سه تا چهار سال برای ساختمان آن، و پنج سال برای آماده‌سازی و کاربرد پوشش کاشی و سنگ‌کنده‌کاری شده به طول بینجامد. ساخت مسجد جامع گوهرشاد در مصلاهی هرات بر اساس کتیبه‌های آن شانزده سال زمان برد و دست‌کم چهار سال دیگر طول کشید تا پوشش بدنه آن را تکمیل کنند.^{۲۰}

اما این مسجد، بر اساس تصاویر و نقشه استاکرت تا چه اندازه وضع ساختمانی سال ۹۰۵ق / ۱۵۰۰م را نشان می‌دهد؟ خواندمیر اندازه گنبدها و ستونها و طاقهای مسجد، و نیز بسیاری از اندازه‌های مهم‌تر آن را آورده است.^{۲۱} این مختصات در جدول ۱ گرد آمده است. مأخذ اصلی استفاده شده نسخه خلاصه/الاخبار خواندمیر در کتابخانه بریتانیاست.^{۲۲} تفاوتی که در دیگر نسخ دیده می‌شود نیز آورده شده است. مقایسه این اندازه‌ها، که به ذرع یا ذراع است، با اندازه‌های واقعی مسجد آموزنده است. این کار با بهره‌گیری از یادداشتهای منتشر نشده اریک شرودر^{۲۳}، که گرچه ناقص است، دقیق‌ترین اندازه‌های به دست آمده از این مسجد محسوب می‌شود، همراه با اندازه‌های تقریبی برگرفته از پیش‌طرح منتشر شده استاکرت میسر شده است.^{۲۴} اندازه‌های ذکر شده به ذرع، به متر تغییر داده شده است (هر ذرع = ۰/۷۱۷ متر^{۲۴}). این عدد از انتخاب سه مشخصه به دست آمده که گمان نمی‌رود در طول قرن‌ها دستخوش تغییر شده باشد و آنها را می‌توان با بالاترین صحت از پیش‌طرح مذکور اندازه گرفت: عرض و طول صحن و ضلع مقبره. در جدول تهیه شده، ستون «الف» مختصات را به ذرع نشان می‌دهد. در ستون «ب»، این اندازه‌ها به متر تبدیل شده است. در ستون «پ»، مقایسه این اعداد با اندازه‌های واقعی تخمین زده شده از پیش‌طرح آمده است. ستون «ت» مقدار اختلاف را نشان می‌دهد. برای مشخص کردن میزان اختلاف لازم بوده است تا مقدار کلی طول و عرضی که خواندمیر ذکر کرده نادیده انگاشته شود؛ چه حدود خارجی بنا در گذر قرن‌ها کاسته شده است. به علاوه، از آنجا که قسمت خارجی پی‌قاعده بود، اندازه‌ها بسته به موقعیت محوری که اندازه‌گیری می‌شد فرق می‌کرد. مقداری هم که برای عرض ایوان مقصوره ذکر شده است نادیده گرفته شد. در نسخه ویراسته اعتمادی، این رقم قطعاً ناصحیح است؛ و در نسخه کتابخانه بریتانیا، با در نظر گرفتن اینکه اگر خود ایوان دچار تغییرات زیادی نشده باشد، که همین گونه هم هست، اندازه مذکور نمی‌تواند خیلی تغییر کرده باشد و این تفاوت بسیار زیاد است.

از این رو، با استثناهایی که در بالا آمد، اختلاف بین مختصات متن مذکور و اندازه‌های واقعی تنها بین صفر تا کمتر از یک متر (۰/۹ متر) خواهد بود. متوسط اختلاف

۳۰ سانتی‌متر است. بنا بر این، می‌توان نتیجه گرفت که در بنایی که تا اواخر سال ۱۹۴۳ قابل مشاهده بود، اندازه‌های اساسی و نقشه مسجد نوسازی شده به دست علی‌شیر حفظ شده بود.

شش سردر اصلی مسجد را که خواندمیر برشمرده است می‌توان در نقشه استاکرت شناسایی کرد. این سردرها در نوسازیهای اخیر در برابر سردر عظیمی که در بیرونی شرقی ساخته‌اند رنگ باخته است. ترتیب بی‌قاعده درها بر روی نقشه محتملاً تابع طرح شارعی مربوط به پیش از دوره تیموری است.

اختلاف اندازه چهار ایوان مسجد با ابعادی که خواندمیر آورده هماهنگ است. بقیه مسجد طرح شبستانی یکدستی با ستون‌هایی ساده داشت. به سخن خواندمیر، شمار جرزها به ۴۴۰ می‌رسید، که اندکی بیش از مقداری است که در نقشه یاد شده آمده است. همو تعداد طاقهای مدور [شبستان] را ۴۰۸ ذکر می‌کند، که حدود ۳۰ تا بیشتر از تعدادی است که در نقشه می‌توان شمرد. شاید از زمان نوسازی دوره تیموری یک یا دو ردیف از دهانه‌های انتهای شرقی مسجد از بین رفته باشد.

نمای تیموری جانب غربی صحن جلو مقصوره، مانند مسجد زیارتگاه^{۲۵} قوس سه‌قسمتی داشت. در عکسهای استاکرت، قوس میانی که از برجهای پر حجم حیاط آغاز می‌گردد، دیده نمی‌شود. اگر می‌خواستند این قوس را بازسازی کنند، بایستی بین ۱۰ تا ۱۵ متر بر ارتفاع آن می‌افزودند تا قوسی با دهانه حدود ۱۷/۵ متر را در خود جای دهد. قوسی که در عکسهای استاکرت دیده می‌شود در اصل دیوار پشتی ایوان دارای قوس بزرگ به کار رفته بود و هنگامی که این ایوان فرو ریخت، آن را از نو ساختند. خواندمیر تصدیق می‌کند که ایوان مقصوره بسیار بلند بود. مقصوره بایست خیلی شبیه مقصوره روزگار علی‌شیر بوده باشد؛ یعنی ایوانی دراز که دیوارهایی آن را نگه می‌داشت که خود با پنجره‌هایی قوس‌دار با اندازه‌های مختلف مجوف شده بود.

به جز دیوار سمت قبله، در دیگر اضلاع صحن رواق‌هایی در طرفین ایوانها قرار داشت. در نسخه‌ای از کتاب خواندمیر، شمار طاقهای این رواقها ۳۰ طاق ذکر شده، که دو تا بیش از آن چیزی است که در نقشه یاد شده دیده می‌شود. در دیگر نسخ ارقام خیلی بزرگ‌تری (مثلاً

۱۳۰ طاق) ذکر شده، که از آنها برمی آید که پیرامون صحن رواقهای دو یا سه طبقه به کار رفته باشد. عکسهای استاکرت رواقی باز را در بالای رواقهای حیاط نشان می دهد؛ اما به نظر نمی رسد با آنها یکی باشد. در نماهای صحن تقریباً هیچ چیز اصیلی از آموده دوره تیموری باقی نمانده است. جای اغلب آنها را کاشیهای امروزی گرفته است.

تاریخ مسجد هرات دو مسئله را مطرح می سازد که از دایره تاریخ نگاری این بنای خاص فراتر می رود. مکتوبات تاریخی نشان می دهد که ساختمان مسجد بر خلاف تحولات سیاسی و اوضاع نامساعد اقتصادی پیوسته تعمیر و نگهداری شده است. چنین نگرشی با عملی که میان طبقه حامیان متداول بود و مرمت بناهایی را که خود نساخته بودند دون شأن خویش می انگاشتند مغایرت دارد. در این میان علاقه علی شیر به صرف هزینه های زیاد برای مرمت بناها استثناست. ترجیح مردمان بیشتر آن بود که مؤسسه های شخصی و بزرگ تری همچون مدرسه ها، خانقاهها، و یا مساجد کوچک تری بسازند که متعلق به خودشان باشد، تا به مرمت بنای ساخته شده به دست دیگری پردازند. این طبیعت عمومی مسجد جامع هرات بود که جای خاصی در دل حاکمان و همچنین عموم مردم داشت.

پرسش دوم به خود مرمتها مربوط می شود. اگرچه مسجد هرات غالباً در شرف ویرانی کامل بوده است، هیچ یک از حامیان آن اندیشه ای جدی برای تخریب کل بنا و برافراشتن ساختمانی تازه عرضه نکرد. از مطالعه متون تاریخی، کتیبه ها، و بقایای بنا روشن می شود که مسجد جامع هرات در طول بالغ بر هفت قرن با وجود نوسازیهای بسیار تغییر خیلی اندکی کرد. سلاطین کرت و نیز مرمتگران اوایل دوره تیموری بیشترین تزیینات دوره غوریان را دست نخورده باقی نهادند و ابعاد اصلی مسجد را حفظ کردند. اثر نادر خواندمیر از تلاش علی شیر برای حفظ شکل اصلی مسجد و از جمله گنبد آن حکایت می کند. اما چون این کار میسر نشد، او بر حفظ کتیبه های گچی دوره غوری در نزدیک ترین محل به دیوار قبله پای فشرده. در اینجا نیز این حفظ سنت قدیم را درباره یک مسجد جامع باید تا حدودی ناشی از طبیعت عام آن شمرد. قدمت ساختمانهای اولیه تقدس

الف	ب	ب	پ	ت
متن خواندمیر (به ذرع)	متن خواندمیر (به متر) ۰/۷۱۷ = ذرع	اندازه واقعی (به تقریب متر)	ستون ب منهای ستون ب (به متر)	
۲۵۴ ^۱	۱۸۲/۱	۱۷۲/۵		طول (داخلی)
۱۵۰	۱۰۷/۶	۱۰۵		عرض (امتداد محور شمالی - جنوبی صحن)
۱۱۴	۸۱/۷	۸۱/۶	-۰/۱	صحن: طول
۸۴	۶۰/۲	۶۰/۴	+۰/۲	عرض
۲۳ (×۲۴)	۱۶/۵	۱۶/۵	۰	مقبره (ضلع)
۶۵	۴۶/۶	۴۵/۷	-۰/۹	مقصوره: طول
۲۰ ^۲	۱۴/۳	۱۱/۶	-۲/۷	عرض
۲۶ ^۳	۱۸/۶	۱۸/۳	-۰/۳	پهنای قوس
۲۳ ^۴	۱۶/۵	۱۶/۵	۰	شمالی: طول
۱۵	۱۰/۸	۱۱/۲	+۰/۴	عرض
۲۸	۲۰/۱	۱۹/۳	-۰/۸	شرقی: طول
۱۵	۱۰/۸	۱۱	+۰/۲	عرض
۲۲	۱۵/۸	۱۶	+۰/۲	جنوبی: طول
۱۳/۵	۹/۷	۹/۳	-۰/۴	عرض

۱. ۲۵۰ ذرع (اعتمادی، ویراستار، خلاصه الاخبار) ۳.۲ ذرع (همان جا)
۲. ذکر نشده (همان جا) ۳.۴ ذرع (بلیسکی، *Islamic heskaia topografia*)

جدول ۱. مختصات
مسجد جامع هرات

خاصی به این مسجد بخشید. به لحاظ نظری، هر قدر چیزی به روزگار حضرت پیامبر نزدیک تر می بود، آن را بهتر یا مقدس تر می انگاشتند. از همین رو اقتضا می کرد که مرمتگران تا حد ممکن مسجد قدیمی را حفظ کنند و همچنان که هر شیئی مرتبط با سالهای آغازین اسلام را گرامی می داشتند، قسمتهایی از مسجد را که می شد محفوظ داشت همچون آثاری مقدس نگهداری کنند. چنین وضعی تنها به هرات مربوط نمی شد. عقیده بر این است که نخستین محراب مسجد قیروان در پشت محرابی نگهداری می شود که در قرن نهم ساخته شد.^{۲۶} در مسجد عتیق شیراز تا اواخر دهه ۱۹۳۰ با وجود نوسازیهای بسیار، قسمتهایی از محراب گچی متعلق به قرن سوم/ نهم را حفظ کردند.^{۲۷} با اینکه برای فضای محراب تقدس خاصی قایل بودند و به همین سبب آن را سزاوار حفظ کردن می دانستند، از متون نگاشته درباره مسجد هرات روشن می شود که هرگاه میسر بود، کل بنای مسجد را شایسته حفظ کردن می انگاشتند.

شاید این استنتاجها به تلاشهایی که امروزه در جهان اسلام برای نوسازی شهری صورت می گیرد، ارتباط پیدا

of the School of Oriental and African Studies 33, no. 2 (1970), pp. 322-327.

Niedermayer, Oskar von and Ernst Diez. *Afghanistan*, Leipzig, 1924.

Pugachenkova, G. A. "Arkhitekturnye zametki: II. O sredneaziatskom arkhitekturnom giazе", in: *Iskusstvo zodchikh Uzbekistana I* (1962), pp. 190-194.

———. "Les monuments peu connus de l'architecture medievale de l'Afghanistan", in: *Afghanistan* 21, no. 1 (1968), pp. 41-48.

Stuckert, Ruedi and Bernt Glätzer. "Die Grosse Moschee und das Mausoleum Ghiyat ud-Din in Herat", in: *Afghanistan Journal* 7, no. 1 (1980), pp. 6-22.

Stuckert, Ruedi. "Der Baubestand der Masjid-al-Jami in Herat 1942/3", in: *Afghanistan Journal* 7, no. 1 (1980), pp. 3-5.

Wilber, Donald. *The Architecture of Islamic Iran: The Ilkhdnid Period*, Princeton, 1955.

———. *The Masjid-i Atiq of Shiraz*, Asia Institute, Monograph Series, 2, Tehran, 1972.

پی‌نوشتها

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Lisa Golombek, "The Resilience of the Friday Mosque: The Case of Herat", in: *Muqarans*, vol. 1 (1983), pp. 95-102.

۲. حافظ ابرو، *جغرافیا*، نقل شده در یادداشت‌های محمد کاظم امام در تصحیح اثر زمچی (نک: پی‌نوشت ۳)، ج ۲، ص ۳۹۸.

۳. معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری، *روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات*، ج ۱، ص ۵۵.

۴. حافظ ابرو، *جغرافیا*، پیش‌تر، در قرن پنجم / یازدهم، سنت حنفی در خراسان و ماوراءالنهر تثبیت شده بود

(David King, "Al-Bazdawī on the Qibla...")

بر خلاف تمایلات حامیان مذهبی غوری، به نظر می‌رسد به دنبال وضع اولیه مسجد که با شیوه حنفی همخوان بود، ساختمان مسجد را از نو ساختند. مسجد زیارتگاه در جنوب هرات (نک: پی‌نوشت ۲۵) رو به مغرب دارد و به گفته زمچی «قاعدۀ مصر» را دنبال می‌کند «حکم مصر»، در *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۲۲۵. کینگ بر آن است که «معنای دقیق این عبارت معلوم نیست. در مصر قدیمی‌ترین قبله رو به محل طلوع خورشید در نیمه زمستان داشت، بدین سبب خواننده از سخن زمچی توقع دارد که در هرات قبله‌ای رو به محل غروب آفتاب در نیمه زمستان وجود داشته باشد.» نویسنده کمال قدردانی را از این سخن دکتر کینگ و دیگر راهنمایبهای سودمند ایشان ابراز می‌دارد.

۵. مطالعه بر روی کتیبه‌های مقبره از روی عکس‌هایی صورت گرفته است که پیش از ویرانی تاسف‌بار این بنا در دهه ۱۹۴۰ برداشته شده است. درباره معماری مقبره و تاریخ آن، نک:

Wilber, *The Architecture of Islamic Iran: The Ilkhanid Period*, pp. 136-137, fig. 24, pls. 63-65; Stuckert and Glätzer, "Die Grosse Moschee und des Mausoleum Ghiyat on-lin in Herat";

زمچی، *روضات الجنات*، ج ۱، ص ۳۳.

کند. در مواردی خاص، به‌ویژه در مسجد جامع هرات، حفظ اشکال متعلق به سده‌های میانی اسلامی و چه بسا حتی ساخت دوباره آنها با مصالح بتائی امروزی با سنتی دیرینه و کاملاً مرجح ارتباط دارد.

کتاب‌نامه

حافظ ابرو، *جغرافیا*.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی. *حبیب‌السیر*، تهران، ۱۳۳۳.

———. *فصلی از خلاصه الاخبار*، تصحیح گویا اعتمادی، ۱۳۴۵.

———. *مکارم الاخلاق*، تصحیح ت. گنج‌های، کیمبرج، ۱۹۷۹.

———. *مآثرالملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی*، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، رسا، ۱۳۷۲.

زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد. *روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات*، تصحیح محمدکاظم امام، تهران، ۱۳۳۸-۱۳۳۹.

سلجوقی، ف. *خیابان، کابل*، ۱۳۴۳.

سیف بن محمد بن یعقوب هروی. *تاریخ‌نامه هرات*، تصحیح محمد زبیر الصدیقی، کلکته، ۱۹۴۴.

عبدالرزاق سمرقندی. *مطلع السعدین*، تصحیح محمد شفیع، لاهور، ۱۹۴۶.

فصیح خوانی، احمد بن جلال‌الدین محمد. *مجمعل فصیحی*، تصحیح محمد فرخ، مشهد، ۱۳۴۱.

Bartol'd, V. V. *Four Studies on the History of Central Asia*, transl. V. and T. Minor-sky, Leiden, 1962, vol. 3, *Mir'Ali-Shir and a His-tory of the Turkman People*.

Belenitskii, A. M. "Istoricheskaia topografiya gerata XV v.", in: *Alisher Navoi Sbornik: Statei*, ed. A. K. Borovkova, Akad. Nauk, Inst. Vostokovedeniia, Mos-cow, 1945, pp. 175-202.

Brandenburg, D. *Heart*, Graz, 1977.

Byron, Robert. "Timurid Architecture: General Trends", in: Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman, *Survey of Persian Art*, London and New York, 1938-39, vol. 2, pp. 1128-1129, 1134.

Creswell, K. A. C. *A Short Account of Early Muslim Architecture*, Penguin Books, 1958.

Frye, Richard. "Two Timurid Monuments in Heart", in: *Artibus Asiae* 11 (1948), pp. 206-212.

King, David. "Al-Bazdawī on the Qibla in Early Islamic Transoxania", forthcoming.

Lézine, Alexandre. "Herat: Notes de voyage", in: *Bulletin d'etudes orientales* 18 (1963-64), pp. 127-45.

Melikian-Chirvani, A. S. , "Un bassin iranien de l'an 1375", in: *Gazette des Beaux-Arts* 78 (1969).

———. "Eastern Iranian Architecture: Apropos of the Ghūrid Parts of the Great Mosque of Harāt", in: *Bulletin*

۱۹. همان‌جا، کتیبه‌ای به تاریخ ۹۰۵ ق در یکی از عکسهای اریک شرودر به چشم می‌خورد که تری آلن نویسنده را متوجه آن کرد.

۲۰. ف. سلجوقی، همان، ص ۱۷.

۲۱. خلاصه‌ال‌اخبار، ص ۱۳. خواندمیر می‌نویسد که تعداد طاقهای مدور ۴۰۸، ستونها ۴۴۰، و طاقی رواقها ۱۳۰ است؛ در نسخ مختلف تعداد ۴۴۴ یا ۴۴ ستون و ۳۰ طاق آمده است.

۲۲. نویسنده از نسخه کتابخانه بریتانیا به شماره ms. or. 1292 استفاده کرده است و قدردانی خود را از برنارد لوکان برای روگرفتی که از اثر مذکور در اختیار گذارد ابراز می‌دارد. موارد اختلاف این نسخه با نسخه‌هایی که اعتمادی و بلنیتسکی استفاده کرده‌اند ذکر شده است.

۲۳. نخستین مرتبه مایکل دی‌آنجلیس از کارکنان گروه اسلامی موزه فاگ آرت (Fogg Art Museum) به وجود این طرح پی برد و سخاوتمندانه آن را برای استفاده در این محاسبات در اختیار گذارد.

۲۴. اندازه ذرع که ۰/۷۱۷ متر است با واحد «گز» در بناهای تیموری در خراسان و ماوراءالنهر، نظیر بنای آق‌سرای در شهر سبز (۰/۷۳ متر)، مسجد بی بی خاتون (خانوم) در سمرقند (۰/۷۳)، و مسجد واقع در آناپو (۰/۷۰) نزدیک است. درباره واحد «گز» که در آسیای میانه استفاده می‌شده است، نک:

Pugachenkova, "Arkhitkturnye Zametki: II. O Sredneaziatskom arkhitkturnom giازه",

این مقیاس به استناد دایرة‌المعارف/اسلام، با ذرع عمر، خلیفه دوم (۰/۷۲۸ متر) نیز نزدیک است:

El, 2d ed., s. v. "Dhirā".

۲۵. مورخ ۸۸۷ یا ۸۸۹ ق / ۱۴۸۲-۱۴۸۳ یا ۱۴۸۵ م.

Pugachenkova, "Les monuments peu connus de L'architecture médiévale de L'Afghanistan". pp. 41-48.

۲۶. در حقیقت زیاده‌الله قصد تخریب محراب را داشت؛ اما در برابر فشار افکار عمومی تن به حفظ آن داد. — نقل شده از البکری در:

Creswell, *A short Account of Early muslim Architecture*, p. 249.

27. Wilber, *The Masjid-i Atiq of Shiraz*.

6. Lézine, "Herat: Notes de Voyages"; Melikian Chirvani, "Eastern Iranian Architecture".

7. Melikian- Chirvani, op. cit.; Niedermayer and Diaz, *Afghanistan*, p. 56, pl. 145; Frye, "Two Timurid Monuments in Herat"; Stuckert and Glätzer, op. cit.

۸. سیف بن محمد بن یعقوب هروی، *تاریخنامه هرات*، ص ۴۷-۴۶، ۷۶۵؛ خواندمیر؛ *حبیب السیر* ج ۳، ص ۳۷۸-۳۷۹؛ همو، فصلی از خلاصه‌ال‌اخبار، ص ۹-۱۰؛ احمد بن جلال‌الدین محمد فصیح خوانی، *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۳۱.

۹. خواندمیر، *حبیب السیر* ج ۳، ص ۳۸۰؛ فصیح خوانی، *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۹۶.

10. Melikian- Chirvani, "Un bassin iranien de l'an 1375".

ملکیان - شیروانی،

11. Belenitskii, "Istoricheskaia topografia gerata XV v.", pp. 175-202;

درباره مصل، نک: ف. سلجوقی، *خیابان*؛

Byron, "Timurid Architecture: General Trends", pp. 1128-1129, 1134.

۱۲. خواندمیر، خلاصه‌ال‌اخبار، ص ۱۰؛ عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع السعدین*، ج ۲، ص ۸۳۹-۸۴۱. ظاهراً در این مرحله مسجد هنوز گنبدی در پشت ایوان مقصوره داشته است. ذکر ایوان و گنبد هر دو در اشعار امیر خسرو دهلوی در اواخر قرن هفتم / سیزدهم یا اوایل قرن ۱۴هفتم / چهاردهم آمده است (زمچی، *روضات الجنات*، ج ۱، ص ۳۰). زمچی خود در این کتاب سخنی از گنبد نمی‌گوید، اما یادآور می‌شود که کتیبه عهد غوریان «در ایوان مقصوره» دقیقاً سیصد سال قدمت دارد.

۱۳. خواندمیر، *مآثر الملوک* به ضمیمه خاتمه خلاصه‌ال‌اخبار و *قانون همایونی*، ص ۱۸۷. این مطلب و منتخبات دیگری که در پی می‌آید نیز در رساله مخصوص خواندمیر درباره علی شیر یافت می‌شود: *مکارم الاخلاق*، ص ۱۴۸-۱۵۰.

۱۴. نک: زندگی‌نامه امیر علی شیر نوشته بارتولد:

Four Studies on the History of Central Asia, vol. 3.

۱۵. نک: خواندمیر، *مکارم الاخلاق*، فصلهای ۲ و ۵ و ۶ درباره امیر علی شیر.

۱۶. *خواندمیر*، همان، ص ۱۸۷. به نظر می‌رسد بلنیتسکی این متن را در نسخه‌ای از زمچی یافته باشد (!) اما تفسیر مغایری از آن دارد؛ بدین معنا که معماران نخست گنبد را مرمت کردند، چنان‌که گنبد را در این مرحله نگه داشته باشند. دشوار بتوان روشن ساخت که چرا خواندمیر در کنار ذکر دیگر ابعاد، اندازه‌های آن را به دست نداده است (نک: جدول).

۱۷. این نقشه را نخست فرای منتشر کرد؛ اما با جهات نادرست:

Frye, "Two Timurid Monuments".

نقشه اصلی دوباره در این منبع منتشر شد:

Stuckert, "Der Baubestand der Masjid al-Jami in Herat 1942-1943"

این نقشه جای نقشه دستی چاپ شده در منبع زیر:

Niedermayer and Diez, *Afghanistan*

و دیگر توصیف‌های مبتنی بر آن، مانند منبع زیر، را گرفت:

Brandenburg, *Herat*, pp. 28-32.

فقط نقشه‌ای که استاکرت منتشر کرده جهتش درست است.

۱۸. خواندمیر، همان، ص ۱۸۷-۱۸۹.